

سیدرسول موسوی<sup>۱</sup>

۱۸ دی ماه ۱۳۸۱ یازدهمین سالگرد آغاز رسمی روابط ایران و تاجیکستان است. در یازده سال گذشته تحولات بزرگی در صحنه داخلی تاجیکستان رخ داده است که این تحولات داخلی با روابط دو کشور ارتباط مستقیمی داشته است. یکی از مهمترین فرازهای روابط دو کشور نقش جمهوری اسلامی ایران در پیشبرد مذاکرات صلح تاجیکستان است که بدون شک و به اعتراف تمامی آگاهان به مسایل تاجیکستان بدون میانجیگری جمهوری اسلامی ایران امکان استقرار صلح در تاجیکستان غیرممکن بود. در مقاله حاضر، ضمن شرح کوتاهی از آغاز روابط دو کشور و شرح چگونگی ورود جمهوری اسلامی ایران به روند مذاکرات صلح تاجیکان تلاش شده است مهمترین نکات رفتاری جمهوری اسلامی ایران را که در پیشرفت روند مذاکرات صلح مؤثر بوده است تا حدودی مورد بحث قرار گیرد.

### شروع روابط رسمی ایران و تاجیکستان

اولین هیأت رسمی جمهوری اسلامی ایران به تاجیکستان پس از استقلال این کشور در ۸ ژانویه ۱۹۹۲ (۱۸ دی ماه ۱۳۷۰) وارد دوشنبه گردید. سرپرستی این هیأت را عباس ملکی معاون آموزش و پژوهش وقت وزارت امور خارجه برعهده داشت و اعضای هیأت را عده‌ای از شاعران و نویسندگان ایرانی به همراه تنی چند از مسئولین و مقامات کشور و عمدتاً از نهادهای آموزشی و فرهنگی تشکیل می دادند.<sup>۲</sup>

۱. آقای سیدرسول موسوی رئیس مرکز مطالعات تئوریک و استراتژیک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

۲. اعضای فرهنگی هیأت ایرانی عبارت بودند از: حمید سبزواری (شاعر)، سپیده کاشانی (شاعر)، مصطفی رحماندوست (نویسنده کودکان)، اصغر فردی (شاعر)، علی رواقی (نویسنده)، مرتضی آوینی (نویسنده)، سیدرضا برقی (نویسنده) و محمدرضاخرمیان (فاری قرآن) و مقامات هیأت عبارت بودند از: هادی غفاری (نماینده سابق مجلس)، غلامعلی حدادعادل (معاون وقت آموزش و پرورش)، علی مجتهدشبه‌ستری (اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان)، محمد شکرچی‌زاده (معاون دانشگاه تهران)، محمود لولاچیان (مدیرعامل شرکت دیزل الکتریک) و علی حسینی روزبهانی (معاون بنیاد مستضعفان).

هیأت جمهوری اسلامی ایران پس از ورود به شهر دوشنبه مذاکرات خود را با مقامات تاجیکستان آغاز نمود و در نتیجه این مذاکرات در ۹ ژانویه ۱۹۹۲ بیانیه مشترک دربارهٔ برقراری روابط کامل سیاسی و دیپلماتیک بین دو کشور به امضا رسید<sup>۱</sup> و پس از امضای بیانیه مزبور پرچم جمهوری اسلامی ایران در ساختمانی نزدیک به میدان مرکزی شهر به عنوان محل سفارت جمهوری اسلامی ایران و اولین سفارتخانه یک کشور خارجی در دوشنبه افراشته شد<sup>۲</sup> و به این طریق روابط سیاسی ایران و تاجیکستان آغاز گردید.

رحمان نبی‌اف رئیس جمهور وقت تاجیکستان، در ملاقات با هیأت ایرانی ضمن ابراز خوشحالی از افتتاح سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان خواستار مساعدت ایران در حل مشکلات و کمبودهای اقتصادی تاجیکستان شد و در مقابل قول داد که از هرگونه مساعدت به حل مشکلات شروع به کار سفارت ایران دریغ ننماید و سرپرست هیأت ایرانی از نبی‌اف جهت سفر رسمی به تهران دعوت نمود که مورد قبول رئیس جمهور وقت تاجیکستان قرار گرفت.<sup>۳</sup>

روابط رسمی ایران و تاجیکستان تقریباً یک سال پس از شروع فعالیت‌های شدید سیاسی طرفداران اصلاحات (پرسترویکا) در دوشنبه آغاز می‌گردد. در این زمان رحمان نبی‌اف در سمت ریاست جمهوری قرار داشته و صفر علی کنجایف رئیس شورای عالی تاجیکستان (پارلمان) می‌باشد و دیگر مقامات تاجیکستان نیز در اختیار افراد وابسته به حزب کمونیست قرار دارد. جامعه تاجیکستان به شدت سیاسی شده و ائتلاف نیروهای اسلامی و دموکرات در مجموعه‌ای به نام اپوزیسیون در مقابل قدرت حاکم (دولت و حزب کمونیست) صف‌آرایی کرده‌اند.

۱. این بیانیه را عباس ملکی از طرف دولت ایران و عبدالله قیوم‌اف وزیر خارجه وقت از طرف دولت تاجیکستان امضا نمودند.
۲. هرچند در این تاریخ ۱۰ کشور استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخته بودند؛ اما سفارت ایران اولین سفارت یک کشور خارجی در تاجیکستان بود.
۳. گزارش سفر هیأت اعزامی به تاجیکستان جهت گشایش سفارت جمهوری اسلامی ایران، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۷۱، ص ۲۸۹.

آغاز روابط ایران و تاجیکستان و افتتاح سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان با استقبال بسیار مردم تاجیکستان روبرو می‌گردد؛ زیرا آغاز روابط و افتتاح سفارت یک کشور خارجی از دید نیروهای ملی تاجیکستان به معنی تحکیم استقلال این کشور بود و از طرف دیگر با توجه به این که فضای سیاست عمومی کشور در اختیار نیروهایی بود که با شعار بازگشت به هویت ملی و اسلامی در مقابل قدرت حاکم صف‌آرایی کرده بودند روابط ایران و تاجیکستان از دید آنان معنی خاصی داشت؛ زیرا فرهنگ و تمدن ایران را پشتوانه محکمی برای هویت ملی و تاریخی تاجیکان محسوب می‌داشتند.

اقبال مردمی و توجه روشنفکران به هویت و تمدن ایرانی از دیدگاه سیاستمداران وابسته به قدرت حاکمه به معنی نفوذ سیاسی ایران و تأثیرگذاری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر روند تحولات این کشور تلقی می‌شد و با توجه به اهمیت استراتژیک تاجیکستان برای روسیه که مرزهای تاجیکستان را با افغانستان مرزهای جنوبی خود می‌دانست حضور جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان را روسیه نمی‌توانست به راحتی بپذیرد؛ خصوصاً آن که امور مربوط به تاجیکستان در دستگاه سیاسی - اداری روسیه در دست ارتش و دستگاه امنیتی روسیه قرار داشت و آنان به تاجیکستان به عنوان یک مقوله امنیتی نگاه می‌کردند و تحولات پرسترویکا و فضای گلاسنوست گورباچف موضوعی روسی و مربوط به مسکو برای نزدیکی به غرب بود.<sup>۱</sup>

جمهوری اسلامی ایران برای حضور خود در آسیای مرکزی نگاهی عملگرایانه داشت. فروپاشی شوروی وضعیت توازن قوا در مرزهای شمالی را به سود ایران تغییر داده و فضای فعالیت جدیدی را در مقابل دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی ایران گشوده بود و تحکیم استقلال کشورهای بازمانده از شوروی و برقراری صلح و ثبات در این کشورها که باعث گسترش روابط اقتصادی با آنها می‌شد فرصت استراتژیک مهمی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب

---

۱. شادمان یوسف در کتاب خود تحت عنوان «تاجیکستان بهای آزادی» به خوبی تعارض موجود در دیدگاه طرفداران اصلاحات در مسکو با نگاه آنان به تحولات سیاسی و اجتماعی کشورهای آسیای مرکزی خصوصاً تاجیکستان را شرح داده است. مراجعه شود به: شادمان یوسف، تاجیکستان بهای آزادی، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳) صص ۵۵-۷۶.

می‌گردید. لذا دستگاه دیپلماسی ایران فرصت پیش آمده را مغتنم شمرده و با طراحی یک سیاست عملگرایانه گسترش روابط با مجموعه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به موازات گسترش روابط با روسیه در دستور کار خود قرار داد.

سیاست ایران در برقراری روابط با کشورهای بازمانده از فروپاشی شوروی سیاستی محافظه کارانه بود و ملاحظات مسکو و تحولات روسیه را مدنظر قرار می‌داد و منافع ملی خود را در آن می‌دید که در مرزهای شمالی ایران جنگ و بی‌ثباتی وجود نداشته باشد؛ بخصوص آن که در همین زمان تحولات قریه‌باغ و درگیری‌های نظامی آذربایجان و ارمنستان موجب بی‌ثباتی در مرزهای ایران با منطقه قفقاز شده و خطر هجوم سیل آوارگان جنگ به سوی ایران وجود داشت. حساسیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می‌شود که تحولات عراق پس از تهاجم این کشور به کویت و جنگ داخلی افغانستان را که همزمان در مرزهای شرقی و غربی ایران موجب بی‌ثباتی شده بود در نظر گرفته شود و آثار امنیتی و سیاسی و حضور آوارگان جنگی این کشورها در ایران مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به متغیرهای فوق می‌توان گفت که رویکرد ایران به سوی آسیای مرکزی و قفقاز رویکردی استراتژیک و عملگرایانه بود و ملاحظات ایدئولوژیک تعیین‌کننده نوع روابط با این کشورها نبوده است. البته باید توجه داشت که تعیین‌کننده نبودن ملاحظات ایدئولوژیک به معنی آن نیست که در گسترش روابط با این کشورها خصوصاً در مجموعه کشورهای آسیای مرکزی و آذربایجان سابقه تاریخی و هویت اسلامی آنان مورد توجه قرار نگیرد.

هریک از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با تحلیل و نگرش خاص خود گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران را به مورد اجرا گذاشتند؛ ولی آنچه در تمام این کشورها مشترک بود توجه به گسترش روابط با ایران به عنوان یک عامل تقویت و تحکیم استقلال این کشورها بود و این نکته سیاسی بسیار مهمی برای کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز محسوب می‌گردید و در بُعد اقتصادی نیز ایران علاوه بر آن که می‌توانست بخشی از نیازمندی‌های آنان را تأمین سازد مسیر راههای ترانزیتی ایران نقش مهمی در برقراری ارتباط این کشورها با دنیای خارج در مسیری غیراز راههای موجود روسیه قلمداد می‌شد.

رابطه ایران با تاجیکستان به غیر از ملاحظات سیاسی و اقتصادی از ویژگی خاص دیگری برخوردار بود و آن ویژگی فرهنگی و تمدنی است. قرابت فرهنگی و تمدنی ایران و تاجیکستان باعث گردید که روابط این دو کشور فراتر از ملاحظات سیاسی و اقتصادی قرار گیرد و با اقبال مردمی روبه‌رو شود. در ابتدای استقلال تاجیکستان اقبال مردمی تاجیکستان به ایران که مبتنی بر رویکرد فرهنگی و تمدنی بود از جانب سیاستمداران وابسته به قدرت حاکم که در مقابل فشار نیروهای اصلاح‌طلب قرار گرفته بودند نفوذ ایدئولوژیک ایران تعبیر و تفسیر گردید و در مقابل این اتهام نیروهای ملی و اسلامی تاجیکستان که قدرت حاکم را وابسته به روس‌ها می‌دانستند از خود واکنش نشان داده نیروهای دموکرات و اسلامی را متهم به وابستگی به ایران و دیگر کشورهای اسلامی کردند و مدعی شدند که هدف حرکت‌های سیاسی نیروهای اسلامی و دموکرات برقراری نظام سیاسی مشابه جمهوری اسلامی ایران است.<sup>۱</sup>

در نتیجه چنین نگرشی قطب‌بندی خاصی در بین مجموعه نیروهای سیاسی تاجیکستان در اوایل دهه ۹۰ شکل گرفت که این قطب‌بندی تحت عنوان موافقین و مخالفین گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران نام گرفت و به‌رغم آن که به صورت علنی و روشن این موضع در محافل سیاسی تاجیکستان مورد بحث و مذاکره قرار نگرفت مع‌هذا همواره عاملی مؤثر در تحولات سیاسی دهه ۹۰ تاجیکستان محسوب می‌گردد.

هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران در این مقطع زمانی گسترش روابط رسمی با دولت تاجیکستان بود و تلاش می‌نمود از طریق دعوت رئیس‌جمهور وقت (رحمان نبی‌اف) و رئیس مجلس (صفر علی کنجایف) به انجام سفر رسمی به تهران این روابط را گسترش دهد و نیز تلاش نمود از طریق سفر معاون وقت رئیس‌جمهور (عطاء‌الله مهاجرانی) به دوشنبه در ایام نوروز سال ۱۳۷۱ و شرکت در جشن‌های نوروزی این کشور سطح این روابط را ارتقا دهد. اما عدم وجود ظرفیت لازم برای پذیرش گسترش روابط با تهران در دولت حاکم تاجیکستان باعث شد تا

۱. صفر علی کنجایف نویسنده کتاب سه جلدی «تبدلات تاجیکستان» (به زبان تاجیکی) و ابراهیم عثمان‌اف نویسنده کتاب «سال نبی‌اف» که هر دو از فعالین سیاسی این مقطع تاریخی از تاجیکستان هستند در کتابهای خود این موضوع را مطرح ساخته‌اند.

نیروهای سیاسی خارج از دولت در تاجیکستان که گسترش روابط با تهران را عامل تعادل بخش فشار روسیه به تاجیکستان می‌دانستند از خود ابتکار عمل نشان دهند که در این ارتباط می‌توان به سفر مقصوداکرام‌اف شهردار وقت دوشنبه و سفر حاج اکبر توره‌جانزاده رئیس اداره قاضیات به تهران اشاره کرد که این سفرها به‌رغم تمایل مقامات رسمی و به ابتکار شخصی آنان در سال (۱۹۹۱) ۱۳۷۰ صورت پذیرفت.

تحولات سیاسی سال ۱۹۹۲ (۷۳-۱۳۷۲) تاجیکستان و روی کار آمدن دولت مصالحه ملی که در آن ائتلاف نیروهای اسلامی و دموکرات شرکت داشتند باعث گردید تا روابط رسمی و دولتی ایران و تاجیکستان گسترش خاصی یابد؛ خصوصاً آن که در این زمان وزیر خارجه وقت خدایبردی خالق نظروف عضو حزب دموکرات تاجیکستان تلاش خاصی را در شکل دادن به سیاست خارجی گسترده و باز تاجیکستان با دیگر کشورها به‌عمل آورد.

انجام سفر رسمی رحمان‌نبی‌اف (رئیس جمهور) به تهران و اسلام‌آباد و سفر رسمی اسکندروف (رئیس شورایعالی) به افغانستان و اعزام هیأت‌های مختلف به کشورهای منطقه و اسلامی از جمله برنامه‌های سیاست خارجی حکومت مصالحه ملی بود که در این مقطع زمانی به اجرا درآمد. حکومت مصالحه ملی هرچند در داخل کشور با مشکلات عدیده‌ای مواجه بود و جنگ داخلی از کولاب در دوران حکومت مصالحه ملی آغاز شد اما به لحاظ شناسایی بین‌المللی و گسترش روابط تاجیکستان با دیگر کشورها می‌توان گفت که حکومت مصالحه ملی در صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای نقش ویژه‌ای در گسترش روابط خارجی تاجیکستان داشته است.

### شروع میانجیگری ایران در منازعه تاجیکان

شروع میانجیگری ایران در منازعه تاجیکان به دوران حکومت مصالحه ملی (۱۹۹۲) باز می‌گردد. البته اقدامات آغاز شده در این دوران بیش از آن که از یک برنامه عملی و منظم پیروی کند بیشتر یک تلاش اخلاقی است. در این مقطع زمانی حکومت مصالحه ملی مخالفین را که کولاب را پایگاه خود قرار داده و شروع به پیشروی به سمت قرغان‌تپه کرده‌اند عناصر یاغی و دشمنان دین و هویت تاجیکی می‌نامد و تنها راه حل مسأله را راه حل نظامی دانسته از طریق

محاصره راه‌های منتهی به کولاب تلاش دارد آنان را سرکوب کند و محاصره‌شدگان کولاب نیز راه نجات خود را شکستن محاصره و حرکت به سمت شمال و برقراری ارتباط با خجند می‌دانند. در این مقطع زمانی هرگونه تماسی با کولابی‌ها از نظر حکومت مصالحه ملی معنی مخالفت با حکومت ملی تاجیکان را دارد و به همین دلیل از بکستان که مرجع اصلی حمایت از کولابی‌هاست به مهمترین دشمن حکومت مصالحه ملی تبدیل می‌گردد.

در سال ۱۹۹۲، به جهت شروع جنگ داخلی و بسته شدن راه‌ها وضعیت معیشتی سختی در تاجیکستان به وجود می‌آید و تهیه گندم و نان که غذای اصلی مردم تاجیکستان است با مشکل زیادی مواجه شده و کشور با قحطی نسبی مواجه می‌شود. در این شرایط جمهوری اسلامی ایران از طریق سفیر خود در دوشنبه ضمن ترغیب مقامات حکومت مصالحه ملی به یافتن راه‌حل سیاسی برای بحران تاجیکستان تلاش نمود با نیروهای مخالف حکومت مصالحه ملی در کولاب ارتباط برقرار نماید.

در ۲۲ آبان ۱۳۷۲، مجتهد شبستری سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران موفق گردید با امام‌علی رحمان‌اف<sup>۱</sup> که در آن زمان رئیس کمیته اجرایی کولاب بود تماس تلفنی برقرار نماید و ضمن جویا شدن از شرایط حاکم بر کولاب مقدمات برقراری پروازهای کمک‌رسانی (آذوقه) جمهوری اسلامی ایران را به کولاب فراهم سازد و در ۲۳ آبان ماه سه فروند هواپیما، کمک‌های جمهوری اسلامی ایران را از دوشنبه به کولاب منتقل نمودند.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از اقدامات جمهوری اسلامی ایران در دوران حکومت مصالحه ملی جهت حل

۱. امام‌علی رحمان‌اف رئیس جمهور فعلی تاجیکستان پیش از شروع جنگ‌های داخلی رئیس یک تعاونی (کالخور) کشاورزی بود. وی در زمان جنگ‌های داخلی ابتدا رئیس کمیته اجرایی کولاب و بعد در اجلاس شانزدهم مجلس عالی به عنوان رئیس مجلس و بعد رئیس جمهور تاجیکستان گردید.

۲. کمک‌های بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران اجازه نیافت که مستقیماً به کولاب منتقل شود؛ لذا این کمک‌ها ابتدا از مشهد به دوشنبه منتقل گردید و در فرودگاه دوشنبه با هواپیماهای تاجیکی به کولاب حمل شد. نکته قابل توجه آن است که در این زمان در فرودگاه دوشنبه به جهت آن که این کمک‌ها به کولاب منتقل می‌شد هیچ‌گونه کمکی جهت انتقال کمک‌ها صورت نگرفت و کارکنان سفارت جمهوری اسلامی ایران مجبور شدند خود رأساً به انتقال کمک‌ها اقدام کنند.

سیاسی منازعه بین تاجیکان آغاز مذاکرات مشورتی با روسیه در مورد تاجیکستان بود؛ هرچند در این دوران نگاه روسیه به تاجیکستان متفاوت با مقطع آغاز رسمی مذاکرات صلح بود و در این مقطع، روسیه مسایل تاجیکستان را همانند مسایل داخلی خود می‌دانست و دیدگاههای ایران و روسیه درباره مسایل منطقه و تاجیکستان فاصله زیادی از یکدیگر داشت. مع‌هذا شروع مبادله آرا و نظرات ایران و روسیه درباره مسایل تاجیکستان که به دوران حکومت مصالحه ملی باز می‌گردد پایه و اساس روند مذاکرات صلح گردید. شروع مذاکرات ایران و روسیه و مبادله نظرات درباره تاجیکستان به ۱۶ تیرماه ۱۳۷۱ باز می‌گردد. در این تاریخ گودوف سفیر وقت روسیه در تهران با محمود واعظی معاون وزیر خارجه ایران ملاقات نموده و از اوضاع متشنج تاجیکستان ابراز نگرانی نمود و اعلام داشت که در صورت افزایش درگیری‌های نظامی در تاجیکستان نیروهای روسیه مجبور به دخالت در تاجیکستان خواهند شد.

تاریخ انجام این ملاقات قابل توجه است؛ زیرا که ملاقات سفیر روسیه با واعظی دو روز پس از انجام سفر رسمی رحمان نبی‌اف رئیس‌جمهور تاجیکستان به تهران صورت گرفت. موضع روسیه در این زمان جلوگیری از گسترش روابط ایران با تاجیکستان بود؛ زیرا از نظر روس‌ها حکومت مصالحه ملی حکومتی طرفدار ایران قلمداد می‌شد و استقرار حکومت مصالحه ملی از نظر روسیه و ازبکستان تهدیدی برای آسیای مرکزی به حساب می‌آمد؛ لذا حمایت از مخالفین حکومت مصالحه ملی که کولاب را پایگاه خود ساخته و شروع به پیشروی به سمت قرغان تپه و دوشنبه نموده بودند در دستور کار این دو کشور قرار داشت. نکته قابل توجه این که در این مقطع زمانی آمریکا نیز به کمک نیروهای مخالف حکومت مصالحه ملی آمد زیرا از نظر آمریکا این حکومت عامل تقویت بنیادگرایی در آسیای مرکزی محسوب می‌شد.<sup>۱</sup>

آندره کوزیروف وزیر خارجه وقت روسیه در ۱۳ شهریور ۱۳۷۳ در ملاقات با محمود

۱. بحث‌های مربوط به کمک‌های آمریکا به مخالفین حکومت مصالحه ملی یکی از مباحث حساس است که اطلاعات درباره این موضوع کمتر منتشر شده است، اما طبق اطلاعات موجود به نقل از نیروهای دموکرات و مسلمان در آن مقطع زمانی کمک‌های لجستیکی خاصی نیز به مخالفین حکومت مصالحه ملی که در کولاب بودند توسط هواپیماهای آمریکایی رسانده می‌شد.



واعظی که در این زمان به مسکو سفر کرده بود به صراحت اعلام نمود که تاجیکستان منطقه امنیتی و حوزه منافع ملی روس‌ها محسوب می‌شود و روس‌ها نمی‌توانند نسبت به اوضاع تاجیکستان بی‌تفاوت باشند و به هر قیمتی که شده در تاجیکستان باقی خواهند ماند. محمود واعظی در این ملاقات بر نقش میانجیگرانه ایران تأکید کرده با طرح این مطلب که جمهوری اسلامی ایران نمی‌خواهد اوضاع تاجیکستان متشنج شود خواستار مساعدت به حل سیاسی منازعه تاجیکان می‌شود (مجموعه اخبار منتشر شده در رسانه‌های گروهی روسیه در مقطع زمانی فوق). سرعت تحولات داخلی تاجیکستان در اواخر تابستان سال ۱۳۷۳ شدت گرفته به دنبال استعفای نبی‌اف از ریاست جمهوری شرایط سخت‌تری در کشور حاکم می‌گردد و این وضعیت با تشکیل اجلاس شانزدهم شورای عالی تاجیکستان در خجند (۲۶ نوامبر ۱۹۹۳ - ۵ آذر ۱۳۷۳) شکل جدیدی پیدا می‌نماید. در این اجلاس شورای عالی، امامعلی رحمان‌اف به عنوان رئیس شورای عالی تاجیکستان انتخاب می‌شود. به جهت استعفای رحمان‌اف از سمت ریاست جمهوری، رحمان‌اف رئیس اجرایی حکومت کشور (عهده‌دار وظایف رئیس‌جمهور) نیز می‌شود.

در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۷۳ (۱۱ دسامبر ۱۹۹۲) بعد از درگیری‌های شدید چند روزه، امامعلی رحمان‌اف رهبر جدید تاجیکستان در حالی که مورد حمایت واحدهای نظامی روسیه و ازبکستان بود وارد پایتخت می‌شود. با ورود رحمان‌اف به دوشنبه آخرین مقاومت‌های حکومت مصالحه ملی نیز در شهر دوشنبه شکسته شده و رهبران احزاب تشکیل دهنده حکومت مصالحه ملی از سمت مشرق شهر دوشنبه و جنوب تاجیکستان به سمت بدخشان و افغانستان عقب‌نشینی می‌کنند و جنگ داخلی تاجیکستان وارد مرحله جدیدی می‌شود و جایگاه حکومت و مخالفین برعکس شده مخالفین بر جایگاه حکومت و تشکیل دهندگان حکومت به مخالفین تبدیل می‌شوند. هرچند حکومت به‌طور رسمی اعلام عفو عمومی می‌دهد اما دامنه کینه‌ها و عداوت‌ها عمیق‌تر از آن است که مانع انتقام افراد از یکدیگر شود و جنگ به شکل خونینی گسترش می‌یابد.

در ۹ دی‌ماه ۱۳۷۳ (۳۰ دسامبر ۱۹۹۲) مجتهد شبستری سفیر وقت جمهوری اسلامی

ایران در ملاقات با ارکین رحمت‌الله یف معاون وزیر خارجه تاجیکستان اعلام می‌نماید که جمهوری اسلامی ایران خواستار ادامه روابط شکل گرفته در دوران حکومت مصالحه ملی با حکومت جدید تاجیکستان است که این موضوع با استقبال مقام تاجیکی مواجه می‌شود (اخبار رسانه‌های گروهی تاجیکستان).

این مقطع زمانی یکی از سخت‌ترین شرایط سیاسی حاکم بر روابط ایران و تاجیکستان محسوب می‌شود؛ زیرا دستگاه دیپلماسی ایران باید همزمان چندین مسأله متضاد و متناقض با یکدیگر را با هم حل و فصل نماید. مهمترین مسایل پیش‌روی دستگاه دیپلماسی ایران عبارت بودند از:

۱. ضرورت ادامه روابط با دولت تاجیکستان به عنوان تنها دولت فارسی زبان آسیای

مرکزی؛

۲. مقابله با اهداف سیاسی روسیه، آمریکا و ازبکستان در تاجیکستان که در این مقطع

زمانی، تلاش زیادی داشتند تا روابط ایران و تاجیکستان قطع شود؛

۳. اعتمادسازی با حکومت جدید که قدرت را در دوشنبه به دست گرفته بود؛

۴. مساعدت به نیروهای ملی و اسلامی و مقامات حکومت مصالحه ملی که جمهوری

اسلامی ایران را پناهگاه خود می‌دانستند. دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در این مقطع

زمانی هم از جانب حکومت جدید تاجیکستان و هم از جانب نیروهای دموکرات و اسلامی شدیداً

تحت فشار قرار گرفته بود. حکومت جدید انتظار داشت جمهوری اسلامی ایران آنان را در

سرکوب مخالفین مساعدت کند<sup>۱</sup> و مخالفین انتظار داشتند جمهوری اسلامی ایران ضمن

حمایت کامل از آنان تمام ارتباطات خود را با حکومت جدید قطع کند. در چنین شرایطی اتخاذ

سیاست جانبدارانه از یک طرف و یا سیاست بی‌طرفی نسبت به هر دو طرف بسیار آسان‌تر از

اتخاذ سیاست میانجیگرانه است؛ زیرا در سیاست جانبدارانه یا بی‌طرفی وضعیت به سادگی

روشن می‌شود؛ اما در سیاست میانجیگرانه ممکن است هر دو طرف منازعه میانجی را مورد نقد و

۱. حکومت جدید با علم به نفوذ مردمی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان می‌دانست که عدم

حمایت معنوی ایران از مخالفین باعث می‌شود تا سرکوب مخالفین برای حکومت آسان شود.

هجمه قرار دهند.

اتخاذ سیاست میانجیگرانه در منازعه داخلی تاجیکستان در این مقطع زمانی یکی از تصمیمات سخت برای دستگاه دیپلماسی ایران محسوب می‌گردد؛ زیرا مجموعه نیروهایی که به انگیزه‌ها و دلایل کاملاً متضاد به دستگاه سیاست خارجی ایران فشار وارد می‌ساختند تا با حکومت تاجیکستان قطع رابطه کند بسیار متنوع و زیاد بود و طیف وسیعی از نیروهای اسلامی و ایدئولوژیک که به دلایل عقیدتی با حکومت جدید مخالف بودند تا روسیه و ازبکستان را که مایل به قطع حضور ایران در آسیای مرکزی بودند شامل می‌شد. از طرف دیگر، نیروهای دیگری در صحنه داخلی ایران و عرصه منطقه‌ای وجود داشتند که به شیوه دیگری تلاش می‌کردند جمهوری اسلامی ایران به‌طور کامل ارتباطات خود را با رهبران احزاب اسلامی و دموکرات قطع کند و تمامی پیوندهای خود را با حکومت جدید برقرار نماید. در حالی که سیاست اتخاذ شده توسط ایران که سیاست میانجیگرانه بود مستلزم برقراری ارتباط با هر دو طرف منازعه بود و این سیاست در شرایطی طراحی و دنبال می‌شد که به جهت عدم وجود تجربه سیاسی در رهبران طرفین منازعه تاجیکستان نقش میانجیگرانه ایران به معنی رفتاری دوگانه و غیرصادقانه تعبیر می‌شد و هر دو طرف به این سیاست تهاجم می‌کردند. پیشبرد سیاست میانجیگرانه جمهوری اسلامی ایران مستلزم اجرای همزمان سه سیاست جداگانه بود:

۱. افزایش تماس با رهبران حکومت جدید به منظور اعتمادسازی، شفافیت در روابط و توضیح سیاست میانجیگرانه.
۲. حفظ ارتباط با رهبران احزاب و نیروهای اسلامی و دموکرات که به دنبال سقوط حکومت مصالحه در داخل و خارج تاجیکستان آواره شده بودند.
۳. مذاکره با مقامات روسیه و سازمان ملل متحد جهت توقف جنگ و یافتن راه‌حلی سیاسی برای منازعه تاجیکستان.

هر سه برنامه سیاسی فوق در دستور کار دستگاه دیپلماسی ایران قرار گرفت. در ۷ فروردین ۱۳۷۲ (۲۷ مارس ۱۹۹۳) در جریان اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی که در شهر کراچی پاکستان برگزار شد علی اکبر ولایتی وزیر خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران با

رشید عالم‌اف همتای تاجیک خود ملاقات نمود و در این ملاقات وی موضوع میانجیگری جمهوری اسلامی ایران را بین طرفین منازعه مطرح ساخت و بحث آشتی ملی در تاجیکستان را به‌طور رسمی مطرح نمود. هرچند این درخواست با مخالفت رشید عالم‌اف روبرو نگردید؛ اما نگاهی که طرف حکومتی به صلح و آشتی ملی داشت با نگاه طرف مقابل فاصله بسیار زیادی داشت و ضروری بود تا تلاش بسیار جهت کاهش این فاصله به‌عمل آید.

حمایت کامل از حکومت جدید اساس سیاست منطقه‌ای روسیه در تاجیکستان بود. روسیه به دنبال تشکیل حکومت جدید در تاجیکستان به امضای یک پیمان دوستی و همکاری با تاجیکستان اقدام نمود که به استناد آن روسیه متعهد گردید در مقابل تهاجم خارجی به تاجیکستان نیروهای روسی از این کشور حمایت کند. این معاهده باعث گردید تا روسیه بتواند شمار نیروهای نظامی خود در تاجیکستان را افزایش دهد و علاوه بر تقویت نیروهای مرزبانی روسیه و لشکر ۲۱۰ موتوریزه روسیه در قالب نیروهای پاسدار صلح کشورهای CIS نیز نیروهای خود را تقویت بخشد.

براساس این روند، روسیه در این مقطع زمانی راه‌حل منازعه داخلی تاجیکستان را راه‌حلی نظامی دانسته نسبت به تقویت نیروهای نظامی دولتی اقدام می‌نمود و به تلاش‌های میانجیگرانه توجهی نمی‌کرد.

نیروهای مخالفین پس از سقوط حکومت مصالحه به سمت شرق دوشنبه، بدخشان و افغانستان عقب‌نشینی کردند و رهبران احزاب اسلامی و دموکرات به کشورهای مختلف پناه بردند. این نیروها توانستند به مرور با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و به موازات مقاومت در مقابل تهاجم نیروهای حکومتی تشکیلات نظامی و سیاسی خود را سازمان دهند و در نهایت یک تشکیلات واحد به نام اتحادیه مخالفین تاجیک UTO<sup>۱</sup> را به‌وجود آورند.

مقاومت مردمی، عملیات نظامی و داشتن یک برنامه سیاسی توسط UTO باعث گردید تا روسیه در این فکر خود که می‌توان مسایل تاجیکستان را از راه نظامی حل و فصل نمود

تجدیدنظر نماید و به دنبال راه‌حلی سیاسی برای بحران این کشور برآید. روسیه در این تغییر فکر به درخواست میانجیگرانه سازمان ملل متحد پاسخ مثبت داد و تلاش نمود با سیاست میانجیگرانه ایران خود را تطبیق دهد.

در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۷۲ (۲۸ مارس ۱۹۹۳) کوزیروف وزیر خارجه وقت روسیه به تهران سفر کرد و از شرایط تاجیکستان اظهار نگرانی نمود؛ در این سفر مقامات ایران جهت یافتن راه‌حل بحران تاجیکستان پیشنهاد نمودند یک اجلاس چهارجانبه با شرکت ایران، روسیه، دولت و مخالفین تاجیکستان تشکیل گردد.<sup>(۱)</sup> پیشنهاد مطرح شده توسط ایران در راستای تلاش‌های قبلی ایران برای میانجیگری در منازعه داخلی تاجیکستان بود.

در ۶ اردیبهشت ۱۳۷۲ (۲۶ آوریل ۱۹۹۳) عصمت‌کتانی از جانب پطروس غالی دبیرکل وقت سازمان ملل متحد به عنوان نماینده ویژه دبیرکل در امور تاجیکستان تعیین گردید. وی مأموریت داشت تا شرایط آتش‌بس در منازعه تاجیکان را تأمین نموده و راه‌حلی برای نظارت بین‌المللی بر آتش‌بس پیشنهاد نماید. تعیین دیدگاه‌های طرفین منازعه و یافتن راه‌حلی برای میانجیگری در منازعه، هدف بعدی عصمت‌کتانی بود و بالاخره هدف سوم مأموریت‌کتانی یافتن راه‌حلی برای جلب مشارکت کشورهای منطقه در برقراری و تحکیم صلح و ثبات در تاجیکستان بود.<sup>(۲)</sup>

عصمت‌کتانی مأموریت خود را در ماه مه ۱۹۹۳ آغاز نمود و پس از عزیمت به تاجیکستان (دوشنبه و خاروغ) اقدام به مسافرت به کشورهای منطقه نمود. وی در سفر خود به تهران با ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران ملاقات و مذاکره نمود. در این ملاقات ولایتی دیدگاه میانجیگرانه ایران را درباره منازعه تاجیکستان تشریح نمود.<sup>(۳)</sup> جمهوری اسلامی ایران از هر فرصت برای تشریح دیدگاه‌های میانجیگرانه خود در منازعه تاجیکان به‌منظور برقراری صلح در این کشور بهره می‌برد که در این راستا می‌توان به تلاش‌های هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت ایران در جریان اجلاس ۶ و ۷ ژوئیه ۱۹۹۳ سران کشورهای اکو در استانبول اشاره کرد که در این اجلاس هاشمی رفسنجانی در ملاقات با امام‌علی‌رحمان‌اف درباره بحران تاجیکستان مذاکره و آمادگی ایران را برای مساعدت به برقراری آشتی ملی در

تاجیکستان اعلام نمود. به دنبال تلاش‌های ایران، دیگر اعضای اکو نیز از روند حل مسالمت‌آمیز بحران تاجیکستان حمایت کردند و سازمان ملل متحد نیز این اقدام اکو را گام مثبتی در روند پیشرفت حل مسالمت‌آمیز بحران تاجیکستان ارزیابی نمود.<sup>(۴)</sup>

تلاش‌های میانجیگرانه ایران در منازعه بین تاجیکان در جریان ملاقات ۷ مهر ۱۳۷۲ (۲۹ سپتامبر ۱۹۹۳) ولایتی با امامعلی رحمان‌اف در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد دنبال شد. در این ملاقات وزیر خارجه ایران دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران را در مورد میانجیگری در بحران تشریح نمود.<sup>(۵)</sup> رحمان‌اف موضوع میانجیگری ایران در منازعه داخلی تاجیکستان را رد نکرد اما نسبت به مواضع صداوسیما جمهوری اسلامی ایران انتقاد نمود و آن مواضع را طرفدارانه و به سود اپوزیسیون دانست. وی این موضوع را با اصل بی‌طرفانه بودن میانجی متعارض می‌دید.

تلاش‌های میانجیگرانه ایران در بحران تاجیکستان تلاش همه‌جانبه بود. به این معنی که این تلاش میانجیگرانه صرفاً به رساندن پیام به طرفین بسنده نمی‌کرد و معتقد بود که این تلاش‌ها زمانی به نتیجه مثبتی می‌رسد که طرفین منازعه نوعی انسجام در اعلام مواضع خود داشته باشند و با توجه به این که مجموعه نیروهای اپوزیسیون پراکنده و متفرق بودند ضروری بود تا به نوعی جهت رسیدن مجموعه نیروهای مخالفین به یک انسجام درونی مساعدت شود. لذا، در همین راستا ملاقات‌های مختلفی با جریان‌های متعدد مخالف دولت تاجیکستان صورت می‌گرفت تا آنها برای داشتن یک رویه مشترک مذاکراتی با دولت تشویق شوند.

سیاست تماس با مخالفین و تشویق آنان جهت داشتن یک برنامه مذاکراتی با دولت در آن مقطع زمانی از نظر مقامات حکومت تاجیکستان معنی تشویق مخالفین را داشت؛ در حالی که جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجارب افغانستان به این جمع‌بندی رسیده بود که نبود یک برنامه مشترک مذاکراتی بین گروه‌های مختلف افغانستان باعث تشدید جنگ بین گروه‌های افغانی شد؛ لذا ضرورت داشت تا از شکل‌گیری گروه‌های متعدد و پراکنده و مختلف‌العقیده در مجموعه مخالفین جلوگیری شود. اقدامات جمهوری اسلامی موجب گردید تا روسیه به این جمع‌بندی برسد که نمی‌تواند بدون جلب نظر و همکاری ایران و به صرف اتکا به نیروی نظامی

بحران تاجیکستان را حل و فصل نماید لذا در ۱۴ اسفند ۱۳۷۲ (۴ مارس ۱۹۹۴) آدامیشن معاون وزیر خارجه روسیه ضمن سفر به تهران با ولایتی وزیر خارجه و محمود واعظی معاون وزیر خارجه ملاقات نمود.<sup>(۶)</sup> وی در این ملاقات‌ها به صراحت درخواست کرد ایران در خصوص شروع مذاکرات صلح بین طرفهای درگیر مساعدت نماید و آمادگی مسکو را جهت یافتن راه حل سیاسی برای بحران تاجیکستان از طریق میانجیگری سازمان ملل متحد و در همکاری با ایران اعلام نمود. وی پس از شنیدن پاسخ مثبت ایران مبنی بر تلاش جهت تشویق رهبران مخالفین جهت شرکت در مذاکرات صلح به مسکو بازگشت و به این طریق با مساعدت ایران اولین دور مذاکرات صلح بین طرفین منازعه تاجیکستان در ۱۶ فروردین ۱۳۷۳ (۵ آوریل ۱۹۹۴) در مسکو آغاز گردید.

### موافقتنامه تهران

اولین دور مذاکرات صلح تاجیکان با میانجیگری سازمان ملل متحد، ایران و روسیه از ۵ تا ۱۹ آوریل ۱۹۹۴ (۱۶ فروردین تا ۲ اردیبهشت ۱۳۷۳) در مسکو برگزار شد. مهمترین دستاورد دور اول مذاکرات صلح تاجیکان در مسکو آن بود که طرفین قبول نمودند که برای حل و فصل اختلافات خود راه حل سیاسی را انتخاب کرده و از طریق مذاکره مسایل فی مابین را حل کنند.<sup>(۷)</sup> انتخاب راه حل سیاسی برای حل و فصل اختلافات مستلزم برقراری آتش بس و قطع عملیات خصومت‌آمیز طرفین علیه یکدیگر بود. جهت پیشبرد مذاکرات و یافتن راه حل سیاسی برای اختلافات بین طرفین منازعه در تاریخ ۱۰ و ۱۱ خرداد ۱۳۷۳ (۳۱ مه و از ژوئن ۱۹۹۴) محتشمی رئیس اداره مربوطه در وزارت خارجه ایران با رشید عالم اف وزیر خارجه و داستی یوف معاون اول شورای عالی تاجیکستان<sup>(۸)</sup> ملاقات کرده ضمن حمایت از نتایج مذاکرات مسکو آمادگی تهران را برای برگزاری دور دوم مذاکرات صلح اعلام نمود و از آنان دعوت کرد تا ضمن سفر به تهران با رهبران اپوزیسیون به گفتگو بنشینند.<sup>(۹)</sup> محتشمی همچنین اظهار داشت که جمهوری اسلامی ایران تلاش خواهد کرد از طرف رهبری اپوزیسیون در سطح مناسبی در مذاکرات صلح شرکت نمایند.<sup>(۱۰)</sup> محتشمی پس از ملاقات و مذاکره با مقامات تاجیکستان عازم

مسکو شد و در ۱۶ خرداد ۷۳ (۶ ژوئن ۱۹۹۴) در مسکو در ملاقات با آناتولی آدامیاشین معاون وزیر خارجه روسیه مسایل مربوط به تاجیکستان و ضرورت ادامه مذاکرات صلح و برقراری آتش بس بین طرفین را مورد بحث قرار داد.

به دنبال تلاش‌های میانجیگرانه نماینده ویژه دبیرکل، ایران و روسیه، دور دوم مذاکرات صلح تاجیکان از ۱۸ خرداد تا ۷ تیرماه ۱۳۷۳ (۸ تا ۲۸ ژوئن ۱۹۹۴) در تهران برگزار گردید در این دور از مذاکرات روسیه، ایران، افغانستان، پاکستان، قزاقستان، قرقیزستان و سازمان امنیت و همکاری اروپا به عنوان ناظرین صلح تاجیکستان نامیده شدند. مهمترین موضوع مورد بحث در این دور از گفتگوها مسأله آتش بس و متوقف ساختن عملیات خصومت آمیز طرفین منازعه علیه یکدیگر بود و تلاش طرفین بر آن قرار گرفته بود تا در مفهوم واحدی از آتش بس به توافق برسند. رسیدن به مفهوم مشترک درباره آتش بس پس از مذاکرات طولانی موفقیت بزرگی برای طرفین محسوب می‌شد؛ زیرا تعریف دقیقی از مفهوم آتش بس اصولی را پایه‌گذاری می‌کرد که بعداً آن اصول اساس و پیمان صلح را تشکیل می‌داد. سرانجام طرفین درباره مفهوم آتش بس به جمع بندی ذیل رسیدند:

۱. توقف کلیه عملیات جنگی به هر شکل شامل عملیات نظامی، عبور از مرز، تیراندازی از

سوی دیگر مرز و مانور نظامی؛

۲. قطع هرگونه عملیات تروریستی در داخل و خارج از کشور؛

۳. اجازه ندادن به کشتار، گروگان‌گیری و بازداشت‌های غیرقانونی در داخل و خارج از

کشور؛

۴. عدم محاصره روستاها و قطع نکردن راهها و شبکه‌های ارتباطی؛

۵. عدم استفاده از رسانه‌های گروهی علیه روند آشتی ملی؛

۶. عدم بهره‌گیری از دین و ایدئولوژی در جهت تخریب مردم علیه طرف دیگر. (به نقل از

مفاد موافقتنامه تهران).

رسیدن به توافق درباره مفهوم آتش بس به معنی برقراری آتش بس نبود و می‌بایست

قرارداد یا تفاهمنامه‌ای در خصوص برقراری آتش بس به امضا می‌رسید که این مهم به دو سبب



در پایان مذاکرات صلح به امضا نرسید:

۱. مسأله سطح هیأت‌های مذاکره‌کننده که در این خصوص طرفین مذاکره‌کننده معتقد بودند امضای موافقتنامه آتش‌بس باید در سطحی باشد که تضمین‌کننده اجرای آن باشد.
۲. مسأله اجرای کامل و همزمان تمام مفاد آتش‌بس. در این خصوص اپوزیسیون معتقد بود که موافقتنامه آتش‌بس مجموعه‌ای یکپارچه است و باید تمام آن همزمان و به‌طور کامل در ساعت شروع آتش‌بس اجرا شود که این به معنی همزمانی قطع عملیات جنگی با آزادی کلیه زندانیان جنگی بود که مورد قبول طرف حکومت نبود.

مذاکرات دور دوم تاجیکان در تهران علیرغم پیشرفت خوبی که از لحاظ روشن شدن دیدگاه‌های طرفین داشت مع‌هذا به جهت عدم امضای موافقتنامه آتش‌بس نتیجه کاملی در پی نداشت؛ لذا تلاش گردید تا به شکلی برای این موضوع راه‌حلی پیدا شود. به دنبال تلاش‌های صورت گرفته توسط سفیر جمهوری اسلامی ایران در دوشنبه عبدالمجید داستی‌یوف در تاریخ ۲۱ شهریورماه ۱۳۷۳ به تهران سفر نمود. در این سفر مذاکراتی تحت عنوان مذاکرات مشورتی بین عبدالمجید داستی‌یوف و حاج اکبر توره‌جانزاده و با حضور پرزبالون نماینده ویژه دبیرکل و نمایندگان ایران و روسیه برگزار گردید که نتیجه آن تکمیل روند مربوط به موافقتنامه آتش‌بس بود. در پایان این دور از مذاکرات مشورتی «موافقتنامه آتش‌بس موقت و قطع دیگر عملیات خصمانه در سرحد تاجیکستان - افغانستان و در داخل کشور» در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۷۳ (۱۷ سپتامبر ۱۹۹۴) به امضای طرفین رسید. این موافقتنامه که بعداً به نام «موافقتنامه تهران» مشهور گشت اساس و بنیان مهمی برای پیشبرد مذاکرات صلح گردید و در اسناد مختلف مربوط به مذاکرات صلح به آن استناد شد و معیاری برای ارزیابی وفاداری طرفین منازعه برای حل و فصل سیاسی اختلافات گردید.

امضای موافقتنامه تهران با استقبال شورای امنیت سازمان ملل متحد مواجه شد و رئیس شورای امنیت در ۲۲ سپتامبر در این خصوص اظهار داشت:

شورای امنیت موافقتنامه آتش‌بس موقت را که نمایندگان حکومت تاجیکستان و مخالفین تاجیک در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۴ در تهران با کمک مساعی جمیله فرستاده ویژه دبیرکل و

با مساعدت نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه و دیگر کشورها که در مذاکرات بین تاجیکان به عنوان ناظر شرکت کردند مورد استقبال قرار می‌دهد.

آثار موافقتنامه تهران به مرور گسترش یافت و ابعاد دیگری پیدا کرد. یکی از ابعاد قابل توجه آن است که قطعنامه ۹۶۸ شورای امنیت که جهت نظارت بر آتش با هیأت ناظران نظامی سازمان ملل در تاجیکستان (UNMOT) موافقت نمود وظیفه اصلی ناظران را نظارت بر روند اجرای موافقتنامه تهران دانست.

نکته مهم دیگر در خصوص آثار موافقتنامه تهران گسترش آثار حقوقی آن است؛ به این صورت که نیروهای روسی مستقر در تاجیکستان با حمله نظامی به نیروهای اپوزیسیون و دستگیری آنان اظهار می‌داشتند که موافقتنامه تهران مربوط است به دولت و مخالفین و نیروهای روسی تعهدی نسبت به اجرای موافقتنامه تهران ندارند. اپوزیسیون که این شیوه برخورد نیروهای روسی را نقض‌کننده مفاد آتش‌بس می‌دید به مقابله نظامی دست زد. حملات نظامی مخالفین و تلاش‌های سیاسی صورت گرفته سرانجام روسیه را وادار ساخت تا طی اطلاعیه وزارت خارجه این کشور اعلام نماید که آثار حقوقی موافقتنامه آتش‌بس تهران برای مرزبانان روسیه و سربازان نیروهای پاسدار صلح کشورهای مشترک‌المنافع را قبول می‌نماید. تعهد روسیه نسبت به رعایت مفاد آتش‌بس تهران یکی از مسایل قابل توجه در روند تلاش‌های میانجیگرانه جمهوری اسلامی ایران در روند مذاکرات صلح تاجیکان محسوب می‌گردد.

به غیر از دور دوم مذاکرات صلح تاجیکان در تهران و مذاکرات مشورتی ۱۲ تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۴ که به امضای موافقتنامه آتش‌بس انجامید یکی دیگر از اقدامات میانجیگرانه جمهوری اسلامی ایران در خصوص پیشبرد روند مذاکرات صلح تاجیکان ترتیب انجام ملاقات بین امام‌علی رحمان‌اف رئیس‌جمهور تاجیکستان و سیدعبدالله نوری رهبر نیروهای اپوزیسیون تاجیک در تهران بود.

رحمان‌اف که از ۱۶ تا ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۵ به دعوت هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت ایران به تهران سفر کرده بود به ابتکار هاشمی رفسنجانی با سیدعبدالله نوری ملاقات کرده درباره ضرورت سرعت بخشیدن به روند صلح مذاکره نمودند. نتیجه این ملاقات انتشار بیانیه

مشترکی به امضای رحمان اف و نوری در ۲۸ تیر ۱۳۷۴ (۱۹ ژوئیه ۱۹۹۵) می‌باشد.<sup>(۱۱)</sup> در این دیدار دو طرف موافقت نمودند که باید سازوکار مناسبی برای اجرای توافقات حاصله بین طرفین به وجود آید و مذاکرات صلح ادامه پیدا کند. ملاقات تهران مبنای جدیدی را در روند مذاکرات صلح بنیاد نهاد. این مبنا متکی بر نقش تعیین‌کننده رهبران دو طرف در پیشبرد مذاکرات صلح بوده و بر مسئولیت ویژه آنها در حفظ دستاوردهای مذاکرات صلح تأکید می‌نمود.

### ملاقات مشهد و تقویت میانه‌روها

افراط‌گرایی و انقلابی‌نمایی مهم‌ترین آفت صلح و سازش بوده و هیچ طرح صلحی بدون تکیه بر نیروهای میانه‌رو نمی‌تواند موفق گردد. این موضوع را می‌توان در روند مذاکرات صلح تاجیکستان به خوبی مشاهده نمود. در هر زمان که افراط‌گرایی بر رویه سیاسی یکی از طرفین منازعه حاکم می‌گردید روند مذاکرات صلح متوقف می‌شد. یک میانجی صلح باید به این موضوع وقوف کامل داشته باشد و قبل از آن که به طرح صلح خود بیاندهد و به دنبال طرح صلح کاملی باشد ضرورت دارد نیروهای میانه‌رو را در طرفین منازعه شناسایی کند و تلاش نماید تا پیشرفت طرح صلح موجب تحکیم موقعیت نیروهای میانه‌رو گردد. مدیریت این بخش از اقدامات میانجیگرانه یکی از دقیق‌ترین و ظریف‌ترین مراحل روند صلح‌سازی است؛ زیرا که تقویت نیروهای میانه‌رو باید متعادل و متوازن و در طرفین منازعه همزمان باشد و تقویت غیرمتعادل نیروهای میانه‌رو در یکی از طرفین منازعه موجب تقویت افراطی‌ها در طرف دیگر می‌شود که این موضوع خود موجب وارد شدن ضربه به روند صلح‌سازی می‌گردد.

روند صلح تاجیکستان نمونه موفقی برای نشان دادن چگونگی مدیریت تقویت نیروهای میانه‌روها در طرفین منازعه است. این اقدام در یک مجموعه گسترده‌ای صورت گرفت و همکاری ایران، روسیه و سازمان ملل متحد در این خصوص بسیار حائز اهمیت است زیرا بدون همکاری این سه نیروی تأثیرگذار بر روندها و نیروها و شخصیت‌های مؤثر در تاجیکستان امکان تعدیل شرایط و تقویت نیروهای میانه‌رو وجود نداشت.

مطالعه وضعیت بازیگران عمده طرفین منازعه تاجیکستان در فاصله سال‌های ۹۲ تا ۹۷

بخوبی می‌تواند این مدعا را به اثبات برساند که هرچند جبهه‌بندی نیروها در ابتدای شروع درگیری‌ها در سال ۹۲ با سال ۹۷ که موافقتنامه صلح به امضا رسید جبهه‌بندی واحدی است اما رهبران این دو جبهه و افراد تصمیم‌گیر آن شخصیت‌های میانه‌رو و اهداف و برنامه‌های سیاسی آنان تعدیل شده و با درک وجود طرف مقابل ارائه می‌گردد.

میانجیگری ایران در روند مذاکرات صلح تاجیکستان همواره بر یک اصل مهم تکیه داشت و آن جلوگیری از حاکم شدن دیدگاه‌های افراطی بر روند مذاکرات صلح بود و تلاش می‌نمود با تقویت افراد و نیروهای میانه‌رو دامنه مشارکت نیروهای مختلف را در روند صلح گسترده‌تر سازد. آنچه مسلم است نحوه آرایش نیروهای طرفین منازعه تاجیکستان به شکلی بود که ایران امکان تعامل بیشتری با نیروهای اپوزیسیون و روسیه امکان تعامل بیشتر با دولت تاجیکستان را داشت و همکاری ایران و روسیه در روند صلح تاجیکستان به معنی آن بود که دو کشور تأثیرگذار در دو طیف متقابل منازعه بتوانند با کمک به تعدیل مواضع طرفین آنها را به پیش بردن روند مذاکرات صلح تشویق کنند.

پس از سقوط حکومت مصالحه ملی در دسامبر سال ۱۹۹۲ و پراکنده شدن رهبران اپوزیسیون در کشورها و مناطق مختلف تاجیکستان یکی از تصمیمات سخت برای دستگاه دیپلماسی کشورها نحوه تعامل با حکومت جانشین بود و در این میان اتخاذ دیپلماسی میانجیگرانه سخت‌ترین نوع رابطه با حکومت جانشین محسوب می‌گردید. زیرا دیپلماسی میانجیگرانه مستلزم تأثیرگذاری در نیروها و اشخاص جهت تعدیل مواضع آنها است که با مقاومت آنان مواجه می‌گردد.

رهبران اپوزیسیون تاجیکستان پس از سقوط حکومت مصالحه ملی ابتدا در کشورهای مختلف پراکنده شدند؛ اما پس از مدت کوتاهی به سازماندهی مجدد خود در مقابل حکومت جدید تاجیکستان اقدام کردند. مقابله با حکومت جدید تاجیکستان ابتدا به اشکال مختلف و پراکنده صورت می‌گرفت اما به مرور این مقاومت‌ها و مقابله‌های پراکنده به یکدیگر متصل گردیدند.

اتصال حلقه‌های مختلف و پراکنده مقاومت به یکدیگر و تنظیم برنامه‌های سیاسی و

نظامی آنان یکی از مراحل جنگ داخلی و روند صلح تاجیکستان محسوب می‌گردد. شکل‌گیری یک مقاومت بدون بسیج احساسات مردم میسر نمی‌شود و بسیج احساسات مردم توسط رهبرانی صورت می‌گیرد که چهره سازش‌ناپذیری در مقابل طرف دیگر از خود نشان دهد و این مقطع یکی از مقاطع مهمی است که موجب پیدایش رهبران رادیکال و حاکم شدن روند افراط‌گرایی در نهضت‌ها و مقاومت‌ها می‌گردد. اگر در این مقطع رهبران نهضت‌ها و مقاومت‌ها بتوانند همزمان با بسیج مردم یک برنامه سیاسی متعادلی را طراحی و پیشبری کنند آنها خواهند توانست در برنامه‌های سیاسی خود موفقیت به‌دست آورند؛ اما چنانچه نتوانند بین بسیج نیروها و برنامه‌های سیاسی خود توازن ایجاد کنند وضعیت بحرانی سختی را در مقابل خود و کشور متبوعشان قرار داده‌اند.

با توجه به این واقعیت بود که جمهوری اسلامی ایران از تلاش‌های رهبران اپوزیسیون در تعدیل مواضع و وسعت بخشیدن به کادر رهبری نیروهای مقابله‌کننده با حکومت حمایت می‌نمود. در این راستا، ابتدا حزب نهضت اسلامی عنوان حزبی خود را حذف کرد و نیروهای مسلمان مقابله‌کننده با حکومت را تحت عنوان نهضت اسلامی تاجیکستان مدیریت نمود و با شروع روند میانجیگری ابتکار قابل توجهی که صورت گرفت ایجاد تشکلی جدید از نیروهای اسلامی و دموکرات تحت عنوان اتحادیه نیروهای معارضین تاجیک بود که این مجموعه نام و برنامه سیاسی هیچ‌یک از نیروهای تشکیل‌دهنده اپوزیسیون را نداشت و مجموعه‌ای عملگرا و غیرایدئولوژیک محسوب می‌گردید.

جمهوری اسلامی ایران از این اقدام نیروهای مخالف حمایت نمود؛ زیرا چنین اقدامی را موجب متعادل شدن نیروهای مخالف و تحکیم برنامه‌های سیاسی مصالحه‌جویانه می‌دانست. هرچند در آن مقطع زمانی از دید مقامات حکومت تاجیکستان این‌گونه اقدامات به معنی حمایت از تحکیم موقعیت مخالفین در مقابل دولت تاجیکستان محسوب می‌شد ولی واقعیت امر آن بود که شکل‌گیری اتحاد اپوزیسیون در عین حال که موقعیت سیاسی مخالفین را به شکل قابل توجهی افزایش می‌داد اما همزمان برنامه‌ها و خواسته‌های افراطی را هم در دولت و هم در اپوزیسیون تعدیل می‌نمود و قرار گرفتن سیدعبدالله نوری در نقش رهبری اتحادیه اپوزیسیون

یکی از مراحل حائز اهمیت در روند صلح‌سازی و مذاکرات صلح تاجیکستان محسوب می‌شود. سیدعبدالله نوری شخصیت شناخته شده‌ای برای نیروهای اسلامی تاجیکستان بود و نقش مهمی را در بسیج مردمی جهت مقاومت در مقابل تهاجم نیروهای وابسته به جبهه خلقی‌ها (طرفداران کمونیست‌ها) داشت اما آنچه باعث گردید تا وی در رأس مجموعه نیروهای تشکیل‌دهنده اتحادیهٔ اپوزیسیون قرار گیرد مواضع متعادل و مصالحه‌جویانه وی بود.

در زمان آغاز مذاکرات صلح اشخاص متعددی بودند که در میدان مبارزه با حکومت مصمم‌تر به نظر می‌رسیدند و اهداف و برنامه‌های گسترده‌ای را در ذهن داشتند؛ اما آنچه در این شرایط می‌توانست تاجیکستان را به سوی صلح رهنمون گردد داشتن برنامه‌ای متعادل، مصالحه‌جویانه و پرهیز از کینه‌توزی در رفتار سیاسی بود.

در روند مذاکرات صلح تاجیکستان یکی دیگر از مسایل قابل توجه سازماندهی اپوزیسیون و تقسیم وظایف صورت گرفته بین آنان است به این معنی که ابتدا یک تقسیم‌بندی بین نیروهای سیاسی و نیروهای نظامی (جهادی) اپوزیسیون شکل گرفت و هر دو گروه تقسیم شده قبول کردند که در حوزه یکدیگر وارد نشوند و هماهنگی بین آنها از طریق رهبری اپوزیسیون (نوری) صورت گیرد. این موضوع نقش مهمی در جلوگیری از تبدیل شدن تاجیکستان به افغانستان دوم داشت.

در تاجیکستان هم همانند افغانستان در زمان جنگ داخلی مناطق مختلف کشور بین فرماندهان صحرایی تقسیم شده بود اما فرق اساسی آنها با فرماندهان صحرایی افغانستان این بود که به خاطر سازماندهی نظامی اپوزیسیون و تفکیک امور سیاسی از فعالیت‌های نظامی باعث گردیده بود که فرماندهان نظامی نتوانند در مسایل سیاسی وارد شوند و بخواهند در روند مذاکرات سیاسی تأثیر بگذارند.<sup>۱</sup>

۱. در ۱۵ و ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۶ یکی از ابتکارات صورت گرفته در روند مذاکرات صلح برگزاری جلسه ملاقات فرمانده وقت ناظرین نظامی سازمان ملل (حسن ابازه) با فرماندهان نظامی اپوزیسیون در شهر غرم بود. در این جلسه که اعضای هیأت کمیسیون دولتی نظارت بر آتش‌بس نیز حضور داشتند با فرماندهان نظامی اپوزیسیون توافق گردید که آنان از روند مذاکرات صلح حمایت نمایند. این ابتکار به معنی توجه به فرماندهان نظامی در عین زمان مسئول شناختن آنان در مقابل روند صلح بود.

یکی از نکات شایان توجه در روند صلح تاجیکستان این نکته است که شاید هیچ شخصیت سیاسی دیگر به میزان سیدعبدالله نوری نمی‌توانست مسئولیت خطیر و حساس هماهنگی امور سیاسی و نظامی را برعهده گیرد و در عین آماده نگاه داشتن فرماندهان و نیروهای نظامی برای مقابله با تهاجمات نظامی نیروهای وابسته به حکومت که در مقاطع مختلفی تصور می‌کردند می‌توانند از طریق نظامی مسایل موجود را حل کنند توانست مذاکرات صلح را بدون دخالت فرماندهان و نیروهای نظامی اپوزیسیون مدیریت و رهبری نماید و اجازه ندهد تاجیکستان سرنوشتی مشابه افغانستان داشته باشد.

این موضوع بخوبی در جریان ماجرای رضوان صادراف قابل اثبات است. رضوان صادراف فرمانده کل نیروهای نظامی اپوزیسیون بود؛ اما وی به جهت اعمال خلاف متعدد از جمله کشتن اسیران و قاچاق مواد مخدر از جانب نوری از سمت خود برکنار گردید. این موضوع باعث نافرمانی رضوان شد. عناصر حکومتی از این فرصت استفاده کرده و با برقراری ارتباط با رضوان او را به شهر دوشنبه آوردند و در تاریخ ۱ دسامبر ۱۹۹۶ رادیو و تلویزیون دولتی به‌طور رسمی اعلام کردند که رضوان فرمانده کل نیروهای مخالفین به همراه نیروهای تحت امر خود به حکومت پیوسته است. پیوستن رضوان به حکومت یک تغییر جهت سیاسی و نظامی ساده نبود و اهداف مختلفی را دنبال می‌کرد که نتیجه نهایی آنها وارد آمدن ضربه سخت به روند مذاکرات صلح بود.<sup>۱</sup> اقدامات بعدی رضوان مانند به‌گروگان گرفتن اعضای هیأت ناظرین نظامی سازمان ملل، کشتن عضو کمیسیون نظارت بر آتش‌بس، به‌گروگان گرفتن امدادگران سازمان ملل و خبرنگاران رسانه‌های گروهی و دیگر افراد عادی جهت اخذ پول از خانواده‌های آنان و بالاخره به‌گروگان گرفتن ظهوروف وزیر امنیت تاجیکستان که برای مذاکره در خصوص آزادسازی امدادگران سازمان ملل به نزد رضوان رفته بود نشان داد که حکومت نیز در اعلام پیوستن رضوان به حکومت

---

۱. عملیات رضوان به شکلی طراحی می‌شد که علیه اپوزیسیون تمام شود. رضوان به‌رغم این که از تمامی مناصب خود در اپوزیسیون طرد شده و توسط حکومت به پایتخت آورده شده بود در رسانه‌های گروهی از او به عنوان فرمانده سابق مخالفین نام برده می‌شد؛ در حالی که برنامه‌های گروگان‌گیری رضوان علیه اپوزیسیون بود.

اشتباه بزرگی را مرتکب شده است. دیدار نوری و رحمان اف در مشهد ۲۹ بهمن تا اول اسفند ۱۳۷۵ (۱۸ تا ۲۱ فوریه ۱۹۹۷) یکی از مراحل تعیین کننده روند مذاکرات صلح محسوب می گردد. این دیدار در شرایطی صورت گرفت که در افغانستان پیشروی طالبان به سمت شمال و شکست نیروهای وابسته به ربانی و جبهه متحد شرایط منطقه را تغییر داده و باعث شده بود که نیروهای افراطی طرفدار طالبان در آسیای مرکزی (خصوصاً در تاجیکستان که در این زمان محل تجمع این نیروها بود) دامنه فعالیت های خود را گسترده تر نمایند. نیروهای افراطی روند مذاکرات صلح را مغایر تعالیم اسلامی اعلام می نمودند و آن را به معنی سازش با کفار می دانستند تا آنجا که سیدعبدالله نوری را مرتد اعلام داشتند.

در داخل تاجیکستان نیز علاوه بر اقدامات رضوان و تحرک نیروهای افراطی طرفدار طالبان اتفاق دیگری که در این شرایط روی داد تحرک نظامی نیروهای محمود خدایبردیف فرمانده نیروهای واکنش سریع حکومت و تحرکات سیاسی عبدالملک عبدالله جانف نخست وزیر اسبق تاجیکستان بود که این دو هماهنگ با هم در دو جبهه نظامی و سیاسی تحرکاتی را در شمال تاجیکستان (خجند) و در شهر قرغان تپه آغاز نمودند و فشار سختی را بر حکومت وارد ساختند تا مجموعه آنها را به عنوان جناح سوم وارد مذاکرات صلح<sup>(۱۲)</sup> نماید.

جناح سوم که در درجه اول از جانب ازبکستان و بعد از جانب آمریکا مورد حمایت بود تهدید دیگری بر روند صلح تاجیکستان محسوب می گردید؛ زیرا ورود جناح سوم به روند مذاکرات به معنی تجدیدنظر در تمام توافقات حاصله بود و می بایست توافقات حاصل شده مجدداً مورد مذاکره قرار می گرفت. موضوع حضور جناح سوم در مذاکرات صلح در داخل اپوزیسیون هم طرفدار داشت و توره جانزاده به شکل قاطعانه ای از ضرورت مشارکت جناح سوم در مذاکرات صلح (مشارکت در قدرت) دفاع می کرد.<sup>(۱۳)</sup>

مذاکرات مشهد را می توان نقطه عطف مهمی در به پایان رسیدن مباحث مربوط به مشارکت نیروهای مختلف در روند صلح تلقی نمود. مذاکرات مشهد طرفین صلح را در عرصه نظامی و سیاسی به دو گروه مشخص از میانه روها محدود ساخت و سایر نیروها را مختار نمود تا جهت مشارکت در روند صلح به یکی از طرفین بپیوندند. البته این موضوع بیشتر معطوف به



نیروهای پراکنده نظامی بود که می‌بایست وضعیت خود را روشن کنند یا به یکی از طرفین ملحق شوند و یا این که توسط عملیات مشترک دولت و اپوزیسیون خلع سلاح گردند.

در مذاکرات مشهد سه سند مهم بین رحمان اف و نوری به امضا رسید این سه سند عبارت بودند از:

۱. متمم موافقتنامه مربوط به وظایف کمیسیون آشتی ملی.

در این سند تعداد نمایندگان مخالفین و حکومت در کمیسیون آشتی ملی برابر اعلام شد و سی درصد از مقامات اجرایی از سطح وزارخانه‌ها تا ادارات و مقامات محلی و مقامات قضایی (رؤسای دادگاه‌ها) در اختیار مخالفین قرار گرفت تا بر این اساس در یک دوران گذار حکومت آشتی ملی تشکیل شود.

۲. نظام‌نامه کمیسیون آشتی ملی

در این موافقتنامه وظایف، اختیارات و تشکیلات مربوط به کمیسیون آشتی ملی در دوران حکومت آشتی ملی مشخص گردید. وظیفه اصلی کمیسیون آشتی ملی نظارت بر اجرای موافقتنامه‌های صلح بود.

۳. اظهارات مشترک

که اختصاص به طرح دیدگاه‌های دو طرف درباره روند مذاکرات، شرایط تاجیکستان و نیروهای نظامی خارج از اختیار دولت و مخالفین بود.

همچنانکه گفته شد یکی از مسایل موجود در تاجیکستان در این مقطع زمانی وقوع شورش و جدایی نیروهای نظامی وابسته به اپوزیسیون و دولت بود که می‌توان از رضوان و محمود خداییردیف به عنوان دو نمونه مشخص نام برد. وقوع چنین شورش‌هایی طبیعی بود ولی اگر در چنین شرایطی یکی از طرفین تلاش می‌نمود تا از طریق جذب فرمانده شورشی به جمع نیروهای خود از موقعیت پیش آمده سوءاستفاده نماید روند صلح آسیب شدیدی می‌دید و عرصه سیاست به دست نیروهای فرصت طلب می‌افتاد و وقایع افغانستان در تاجیکستان تکرار می‌گردید. لذا، در جریان مذاکرات مشهد دو طرف به‌طور قاطع به این نتیجه رسیدند که در صورت جداشدن فرماندهان نظامی از هر طرف به هیچ عنوان طرف دیگر اقدام به جذب آن

فرمانده نکرده و مشترکاً علیه فرماندهان خودسر اقدام کنند. چنین توافقی نقش بسیار تعیین‌کننده در تثبیت روند صلح و محدودسازی نقش سیاسی نظامیان دو طرف داشت. اظهارات مشترک نوری و رحمان‌اف که به عنوان توافقنامه ضد تروریستی شناخته شد ضمن آن که کلیه اقدامات گروگان‌گیری و عملیات تخریب‌کارانه را محکوم ساخت اعلام نمود در یک دوره مشخص باید کلیه نیروهای پراکنده وابستگی خود را به یکی از طرفین (اپوزیسیون یا حکومت) اعلام کرده و از فرمانده آنان اطاعت کنند در غیر این صورت توسط عملیات مشترک دولت و اپوزیسیون خلع سلاح خواهند شد. در این سند از گروه رضوان صادر ف به عنوان گروه تروریستی نام برده می‌شود.

توافقات مشهود قدم بسیار بزرگی در پیشرفت مذاکرات صلح محسوب می‌گردد و نتایج اصلی این موافقتنامه‌ها در مذاکرات بعدی صلح که اختصاص به حل مسایل نظامی داشت مساعدت بسیاری نمود و از شکل‌گیری نیروهای نظامی جدید به‌طور قاطع جلوگیری به عمل آمد و گروه‌های خودسر همانند رضوان صادر ف در عملیات نظامی دولت و اپوزیسیون از بین رفتند. مهمترین دستاورد سیاسی مذاکرات مشهود مشخص شدن شکل و ساختار حکومت آشتی - ملی بود که در آن نیروهای میانه‌رو به قدرت می‌رسیدند. حکومت آشتی ملی حکومتی ائتلافی با ترکیب ۷۰ درصد از حکومت و ۳۰ درصد از نیروهای اپوزیسیون تشکیل می‌شد.

### مذاکرات تهران درباره ضمانت اجرای موافقتنامه صلح تاجیکستان

یکی از مسایل اساسی در روند صلح‌سازی موضوع مربوط به ضمانت اجرای توافقات حاصله در روند مذاکرات است. عدم وجود ضمانت اجرایی برای توافقنامه‌های صلح باعث بازگشت جنگ و خشونت به کشور می‌شود؛ از این جهت در روند مذاکرات صلح یکی از مسایل مورد توجه آن بود که چه شیوه‌ای می‌تواند شرایط صلح را بازگشت‌ناپذیر سازد و بر اجرای موافقتنامه‌های امضا شده ضمانت نماید.

موضوع ضمانت موافقتنامه صلح در روند دور هشتم مذاکرات صلح که در فاصله ۸ تا ۱۸ آوریل ۱۹۹۷ (۲۱ تا ۲۹ مه ۱۹۹۷) در تهران برگزار شد حاصل گردید و دو طرف قبول نمودند

که نمایندگان کشورهای ناظر بر روند مذاکرات صلح در دو سطح وزرای خارجه و سفرای مقیم این کشورها در دوشنبه مسئولیت ضمانت اجرای توافقنامه‌های صلح را برعهده گیرند.

در موافقتنامه‌ای که در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۷۶ (۲۸ مه ۱۹۹۷) در تهران تحت عنوان «درباره کفیلان تطبیق سازش نامه عمومی برقرار کردن صلح و رضایت ملی در تاجیکستان» به امضا رسید. دو طرف از ایران، روسیه، افغانستان، پاکستان، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان دعوت نمودند تا به عنوان تضمین‌کنندگان سیاسی و اخلاقی اجلاس دوره‌ای وزرای خارجه را در شهر دوشنبه برگزار کنند و از سفیران این کشورها درخواست نمودند تا در جلسات مرتبی که در شهر دوشنبه با هماهنگی نماینده ویژه دبیرکل و نمایندگان سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان کنفرانس اسلامی تشکیل می‌شود شرکت کرده و بر روند اجرای موافقتنامه‌های صلح نظارت نمایند.

جلسات سفرای کشورهای ضامن صلح که بعداً به نام جلسات گروه تماس مشهور گردید یکی از سازوکارهای بسیار مهم در روند اجرای موافقتنامه‌های صلح تاجیکستان می‌باشد و تجربه عملی این گروه در جریان نظارت بر روند صلح اثبات نمود که بدون وجود چنین گروهی قطعاً روند صلح در تاجیکستان متوقف می‌گردید. البته این بخش مربوط به دوران اجرای موافقتنامه‌های صلح می‌گردد و به دوره مذاکرات صلح مربوط نمی‌شود. اما ذکر این نکته ضروری است که به‌رغم آن که مسئولیت اصلی اجرای موافقتنامه‌های صلح بر دوش طرفین منازعه (حکومت و اپوزیسیون) بود و مسئول اصلی نظارت بر روند اجرای موافقتنامه‌های کمیسیون آشتی ملی بود اما در مقاطع مختلفی از دوران اجرای موافقتنامه‌ها و در دوران حکومت آشتی ملی (۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰) به دلایل متعددی ناشی از اختلافات طرفین در تفسیر موافقتنامه‌ها یا دیگر مسایل سیاسی اختلافات طرفین به حدی اوج می‌گرفت که حتی به تعطیلی کمیسیون آشتی ملی ختم می‌گردید و دو طرف هیچ سازوکار دیگری برای ادامه مذاکره در چگونگی روند اجرای موافقتنامه‌ها نداشتند و در این شرایط گروه تماس به بهترین شکل این خلاء را پر می‌کرد و طرفین را مجدداً در کمیسیون آشتی ملی گرد هم می‌آورد.

در جمع‌بندی نهایی که از کارکرد گروه تماس حاصل گردید آن بود که به‌طور قطع بدون

وجود سازوکاری که در سند ضمانت اجرای موافقتنامه‌های صلح در تهران پیش‌بینی گردید امکان پیشبرد مذاکرات صلح میسر نبود و روند صلح در هنگام اجرا با خطرات جدی مواجه می‌گردید. تجربه گروه تماس یکی از تجار مهم در روند صلح‌سازی تاجیکستان محسوب می‌گردد.

در مذاکرات دور هشتم تهران علاوه بر امضای سند ضمانت اجرای موافقتنامه‌های صلح اعلامیه‌ای تحت عنوان اعلامیه تهران نیز به امضای طلبک نظراف وزیر خارجه تاجیکستان، اکبر توره‌جانزاده معاون اتحادیه اپوزیسیون و گردمرم نماینده ویژه دبیرکل سازمان متحد رسید که در آن نقش ویژه جمهوری اسلامی ایران در روند مذاکرات صلح را مورد تمجید و تکریم قرار دادند. در این اعلامیه با ذکر اهمیت ملاقات‌های رحمان‌اف رئیس جمهور تاجیکستان و نوری رهبر اتحادیه مخالفین تاجیک که در ماههای ژوئیه ۱۹۹۵ در تهران و فوریه ۱۹۹۷ صورت‌گرفت به عنوان ملاقات‌های تعیین‌کننده در روند صلح نام برده می‌شوند و در ادامه از موافقتنامه ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۹۷ درباره آتش‌بس در منازعه تاجیکان، موافقتنامه ۱۳ ژانویه درباره مهاجرین جنگی که در تهران به امضا رسید و موافقتنامه معروف به سند ضمانت صلح را از جمله مراحل حساس روند صلح دانستند.

امضای سند ضمانت صلح در تهران آخرین مرحله از روند مذاکرات صلح محسوب می‌گردد؛ اما به جهت رسمیت بخشیدن به اجرای موافقتنامه صلح شورای امنیت سازمان ملل مقرر می‌دارد که طرفین منازعه طی مراسمی در مسکو سند جامعی را که در آن تمام موافقتنامه‌های حاصله در روند مذاکرات صلح آورده شده است به امضای طرفین برسد.

قرارداد عمومی درباره صلح و رضایت ملی در ۶ تیرماه ۱۳۶۶ (۲۷ ژوئن ۱۹۹۷) طی مراسمی در مسکو به امضای امامعلی رحمان‌اف رئیس جمهور و سیدعبدالله نوری رهبر اتحادیه مخالفین تاجیکستان رسید. در مراسم امضای موافقتنامه عمومی صلح بوریس یلتسین رئیس جمهور، علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، پریماکف وزیر خارجه روسیه، عزالدین العراقی دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی و مقامات بلندپایه دیگر کشورهای ضامن صلح تاجیکستان شرکت داشتند.

با امضای موافقتنامه عمومی صلح به‌طور رسمی خاتمه دوران مذاکرات صلح اعلام شد و دوران مربوط به اجرای موافقتنامه‌های صلح آغاز گردید. اجرای موافقتنامه‌های صلح با تشکیل اولین جلسه کمیسیون آشتی ملی براساس نظامنامه آن که در ملاقات مشهد تدوین شده بود به ریاست آقای نوری در مسکو تشکیل گردید و سند مربوط به قانون عفو شرکت‌کنندگان در جنگ داخلی را به تصویب رساند و مقرر کرد تا جلسه بعدی کمیسیون در شهر دوشنبه تشکیل گردد و در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۷۶ (۱۶ ژوئیه ۱۹۹۷) اولین جلسه گروه تماس با شرکت سفرای مقیم کشورهای ضامن صلح<sup>۱</sup> در شهر دوشنبه تشکیل گردید و به این طریق دوره جدیدی در روند صلح‌سازی در تاجیکستان آغاز گردید.

### تقویم دوره مذاکرات بین تاجیکان و اسناد امضا شده

آنچه در ذیل آمده تقویم بخش اول روند بازگرداندن و استقرار صلح و آشتی ملی در تاجیکستان یادوره مذاکرات بین تاجیکان است که با کمک و نقش محوری سازمان ملل متحد، جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه و کمک کشورهای دیگر از آوریل ۱۹۹۴ آغاز و تا ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷ ادامه یافت. بخش دوم این روند یعنی دوره اجرای توافقات نیز از ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷ با امضای قرارداد عمومی در مسکو آغاز و تا ۲۶ مارس ۲۰۰۰ (برابر با ۱/۶/۱۳۷۹)، روز اعلام رسمی پایان کار کمیسیون آشتی ملی، خاتمه یافت.

#### دور اول: مسکو

از ۵ تا ۱۹ آوریل ۱۹۹۴

شرکت‌کنندگان در مذاکرات: آناخان لطیفی - شکورجان ظهوروف - پرز بالون نماینده ویژه دبیرکل

سازمان ملل متحد

۱. پروتکل در خصوص تشکیل کمیسیون مشترک امور فراریان و مهاجرین اجباری تاجیکستان -

مسکو ۹ آوریل ۱۹۹۴.

۲. بیانیه مشترک نتایج دوره اول مذاکرات بین تاجیکان درباره آشتی ملی - مسکو ۱۹ آوریل

۱۹۹۴.

---

۱. در اولین جلسه گروه تماس نماینده ازبکستان حضور نداشت و این کشور موافقتنامه عمومی صلح تاجیکستان را در ۲۶ اوت ۱۹۹۷ در نیویورک امضا نمود.

دور دوم: تهران

از ۸ تا ۲۸ ژوئن ۱۹۹۴

شرکت‌کنندگان: آناخان لطیفی - شکورجان ظهوروف - پرز بالون

۱. بیانیه مشترک نتایج دوره دوم مذاکرات بین تاجیکان دربارهٔ آشتی ملی - تهران - ۲۸ جولای ۱۹۹۴

دور مشورتی - تهران

از ۱۲ تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۴

شرکت‌کنندگان: عبدالمجید داستی اف - اکبر توره‌جانزاده - پرزبالون

۱. سازشنامه دربارهٔ آتش‌بس موقت و قطع دیگر عملیات خصمانه در سرحد تاجیکستان -

افغانستان و در داخل کشور در دوره مذاکرات - تهران - ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۴.

۲. بیانیه مشترک نتایج مشورت تاجیکان دربارهٔ آشتی ملی تهران - تهران - ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۴.

دور سوم: اسلام‌آباد

از ۲۰ اکتبر تا ۱ نوامبر ۱۹۹۴

شرکت‌کنندگان: اکبر توره‌جانزاده - عبدالمجید داستی اف - پرز بالون

۱. پروتکل دربارهٔ کمیسیون مشترک مربوط به اجرای «سازشنامه دربارهٔ آتش‌بس موقت و قطع

دیگر عملیات خصمانه در مرز تاجیکستان - افغانستان و داخل کشور - اسلام‌آباد - ۲۰ اکتبر تا ۱ نوامبر ۱۹۹۴.

۲. بیانیه مشترک نتایج دوره سوم مذاکرات بین تاجیکان دربارهٔ آشتی ملی،

۱-۲ ضمیمه بیانیه مشترک نتایج دور سوم - فهرست زندانیان مخالفین که تا ساعت ۲۴ مورخ ۵

نوامبر ۱۹۹۴ باید آزاد شوند.

دور مشورتی - مسکو

از ۱۹ الی ۲۶ آوریل ۱۹۹۵

شرکت‌کنندگان: محمد سعید عبیدالله یف - اکبر توره‌جانزاده، پرزبالون

۱. اظهارات مشترک هیأت حکومتی جمهوری تاجیکستان و هیأت مخالفین تاجیک، ۲۶ آوریل ۱۹۹۵.

ملاقات سران - کابل

از ۱۷ الی ۱۹ ماه مه ۱۹۹۵

- اظهارات رئیس جمهور تاجیکستان اسماعلی رحمانف و رئیس حرکت نهضت اسلامی

تاجیکستان سیدعبدالله نوری - ۱۹ مه ۱۹۹۵

## دور چهارم - آلمانی

از ۲۲ مه تا ۲ ژوئن ۱۹۹۵

شرکت‌کنندگان: محمدسعید عبیدالله‌یف، اکبر توره‌جانزاده، پرز بالون

۱. اظهارات مشترک هیأت‌های حکومتی جمهوری تاجیکستان و مخالفین تاجیک درباره نتایج

دور چهارم مذاکرات بین تاجیکان برای آشتی ملی - ۲ جولای ۱۹۹۵

### ملاقات سران - تهران

۱۹- جولای ۱۹۹۵

۱. اظهارات رئیس‌جمهور تاجیکستان امامعلی رحمان‌اف و رهبر مخالفین تاجیک سیدعبدالله نوری

### مذاکرات غیرحضورى سران در دوشنبه و کابل

ماه اوت ۱۹۹۵

- پروتکل درباره اصول اساسی برقراری صلح و رضایت ملی در تاجیکستان به امضای امامعلی

رحمان‌اف رئیس‌جمهور تاجیکستان و سیدعبدالله نوری رهبر اتحادیه مخالفین تاجیک ۱۹۹۵ (این سند

درماه اوت ۱۹۹۵ با سفر پرزبالون به دوشنبه و کابل در دو شهر به امضا رسید)

### دور پنجم - عشق‌آباد

مرحله یکم از ۳۰ نوامبر تا ۱۳ دسامبر ۱۹۹۵

شرکت‌کنندگان: محمد سعید عبیدالله‌یف - اکبر توره‌جانزاده - پرز بالون

- بیانیه مشترک - ۱۳ دسامبر ۱۹۹۵

مرحله دوم از ۲۶ ژانویه تا ۱۹ فوریه ۱۹۹۶

شرکت‌کنندگان: محمدسعید عبیدالله‌یف - اکبر توره‌جانزاده - پرز بالون

- بیانیه عشق‌آباد درباره نتایج مرحله دوم مذاکرات بین تاجیکان - ۱۸ فوریه ۱۹۹۶

مرحله سوم از ۸ الی ۲۱ جولای ۱۹۹۶

شرکت‌کنندگان: اکبر توره‌جانزاده - طلبک نظروف - گرد دیتریخ مرم

۱. اظهارات مشترک درباره قطع عملیات جنگی و رعایت سازشنامه تهران - ۱۹ جولای ۱۹۹۶

۲. پروتکل درباره اجرای اعمال بشردوستانه راجع به مبادله اسرا و زندانیان - ۲۱ جولای ۱۹۹۶

۳. بیانیه مشترک درباره نتایج مرحله سوم مذاکرات بین تاجیکان در عشق‌آباد - ۲۱ جولای ۱۹۹۶

### ملاقات فرماندهان نظامی: غرم

سپتامبر ۱۹۹۶

شرکت‌کنندگان: میرزاخوجه نظاموف، امیرقل عظیم اف - حسن ابازه فرمانده ناظران نظامی سازمان ملل - پروتکل ملاقات هیأت کمیسیون دولتی جمهوری تاجیکستان و فرماندهان جبهه قراتگین که در ۱۵ و ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۶ در شهر غرم برگزار شد.

### ملاقات سران

مرحله مقدماتی تهران؛ (از ۸ تا ۱۸ اکتبر ۱۹۹۶)

شرکت‌کنندگان: ابراهیم عثمانف، آناخان لطیفی

مرحله دوم آمادگی در شمال افغانستان؛ (از ۱۰ تا ۱۱ دسامبر ۱۹۹۶)

شرکت‌کنندگان: رحمان اف رئیس جمهور، سیدعبدالله نوری رهبر مخالفین، مرم، ربانی، مسعود

۱. پروتکل درباره تنظیم اوضاع سیاسی - نظامی مناطق داغ - ۱۱ دسامبر ۱۹۹۶

۲. اظهارات مشترک رئیس جمهور تاجیکستان امامعلی ش.رحمانف و رهبر اتحادیه مخالفین

تاجیک س.ع.نوری - ۱۱ دسامبر ۱۹۹۶

مرحله سوم در مسکو

از ۱۹ تا ۲۳ دسامبر ۱۹۹۶

شرکت‌کنندگان: رحمان اف رئیس جمهور، سیدعبدالله نوری رهبر مخالفین، مرم

۱. سازشنامه رئیس جمهور تاجیکستان امامعلی ش.رحمانف و رهبر اتحادیه مخالفین تاجیک

س.ع.نوری در ملاقات مسکو - ۲۳ دسامبر ۱۹۹۶

۲. پروتکل درباره وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون آشتی ملی - ۲۳ دسامبر ۱۹۹۶

۳. پیام مشترک رئیس جمهور و رهبر اتحادیه مخالفین به ملت تاجیکستان

### دور ششم: تهران

از ۴ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۹۷

شرکت‌کنندگان: طلبک نظروف، توره جانزاده، مرم

۱. پروتکل درباره مسایل مهاجرین - ۱۳ ژانویه ۱۹۹۷

۲. اظهارات مشترک هیأت حکومتی جمهوری تاجیکستان و هیأت اتحادیه مخالفین تاجیک

درباره نتایج مذاکرات تهران - ۱۹ ژانویه ۱۹۹۷

### ملاقات سران - مشهد

از ۱۸ تا ۲۱ فوریه ۱۹۹۷



شرکت‌کنندگان: رحمان‌اف رئیس جمهور، عبدالله نوری رهبر مخالفین، مرم نماینده ویژه دبیرکل  
۱. پروتکل اضافی (متمم) به پروتکل درباره وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون آشتی ملی -

۱۹۹۷/۲/۲۱

۲. آیین‌نامه کمیسیون آشتی ملی - ۲۱ فوریه ۱۹۹۷

۳. اظهارات مشترک - ۲۱ فوریه ۱۹۹۷

### دور هفتم - مسکو

از ۲۶ فوریه تا ۸ مارس ۱۹۹۷

شرکت‌کنندگان: طلبک نظروف، اکبر توره‌جان‌زاده، مرم

۱. پروتکل مسایل نظامی - ۸ مارس ۱۹۹۷

۲. اظهارات مشترک هیأت حکومتی جمهوری تاجیکستان و هیأت اتحادیه مخالفین تاجیک  
درباره نتایج مذاکرات بین تاجیکان که از ۲۶ مارس تا ۸ فوریه ۱۹۹۷ در شهر مسکو برگزار شد.

### ملاقات سران - بیشکک

از ۱۶ تا ۱۸ ماه مه ۱۹۹۷

شرکت‌کنندگان: امامعلی رحمان‌اف رئیس جمهور - سیاده‌عبدالله نوری رهبر مخالفین، عسگر

آقایف رئیس جمهور قرقیزستان، مردم

۱. پروتکل مسایل سیاسی - ۱۸ مه ۱۹۹۷

۲. یادداشت بیشکک - ۱۸ مه ۱۹۹۷

### دور هشتم - تهران

مرحله اول از ۸ تا ۱۸ آوریل ۱۹۹۷

مرحله دوم از ۲۱ تا ۲۹ ماه مه ۱۹۹۷

شرکت‌کنندگان: طلبک نظروف، اکبر توره‌جان‌زاده، مرم

۱. پروتکل درباره کفیلان (ضامن‌های) اجرای قرارداد عمومی استقرار صلح و رضایت ملی در

تاجیکستان - ۱۸ مه ۱۹۹۷

۲. بیانیه تهران - ۲۸ مه ۱۹۹۷

### دور نهمی: مسکو

از ۲۴ تا ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷

- شرکت‌کنندگان: یلتسین، پریماکوف، مرم، وزیران خارجه ایران، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، نمایندگان افغانستان و پاکستان و سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان کنفرانس اسلامی، امامعلی رحمان‌اف رئیس‌جمهور - سیدعبدالله نوری رهبر مخالفین
۱. قرارداد عمومی درباره استقرار صلح و رضایت ملی در تاجیکستان - ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷.
  ۲. بیانیه مسکو - ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷
  ۳. پروتکل همدیگر فهمی رئیس‌جمهوری تاجیکستان امامعلی رحمانف و رهبر اتحادیه مخالفین تاجیک سیدعبدالله نوری - ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷.

## یادداشت‌ها

۱. خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲/۱/۸.
۲. گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای امنیت، سند شماره S/۲۶۳۱ مورخ ۱۶ اوت ۱۹۹۳.
۳. همان.
۴. اظهارات رئیس شورای امنیت سازمان ملل، سند شماره S/۲۶۳۴۱ مورخ ۲۳ اوت ۱۹۹۳
۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۷ مهر ۱۳۷۲.
۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۴ اسفند ۱۳۷۲.
۷. مجموعه اسناد مذاکرات صلح توسط ابراهیم عثمان‌اف که از اعضای مذاکره‌کننده صلح (از طرف حکومت) بود در کتابی به نام «راه صلح» به زبان و خط تاجیکی جمع‌آوری شده است.
۸. داستی یوف در آن زمان نفر دوم کشور محسوب می‌گردید. داستی یوف در طول مذاکرات صلح و اجرای موافقتنامه صلح نقش حساسی را در استقرار صلح در کشور ایفا نمود.
۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۱ خرداد ۱۳۷۳.
۱۰. یکی از مشکلات موجود در مذاکرات صلح مسکو آن بود که طرف اپوزیسیون در اعتراض به ترکیب هیأت مذاکره‌کننده حکومت در سطح پایینی در مذاکرات شرکت نمود.
۱۱. به نقل از مجموعه اسناد مذاکرات صلح از کتاب راه صلح تألیف ابراهیم عثمان‌اف.
۱۲. مشروح‌اهداف جناح سوم در شماره ۲۹ اوت روزنامه نواوسیمایاگازتا چاپ مسکو آمده است.
۱۳. مصاحبه توره‌جان‌زاده با بخش تاجیکی رادیو مشهد، ۷۵/۱۰/۱۹.